

## سجع در سکه



نقش شعارهای دینی بر سکه‌ها، در بسیاری از موارد، حاکی از نوعی تمهید سیاسی است که در بعضی دوره‌های مشخص تاریخی برای جلب حمایت توده‌های مردم بکار برده شده؛ و غالباً نشان - دهنده این معنی است که صاحب سکه یا سلطان عصر بر کدام یک از گروه‌های اجتماعی زمان خویش متکی بوده است.

در ایران، اولین شعارهای دینی را بر سکه‌های اشکانی، و بشکل آتش مقدس یا هیاکل منسوب به آئین مهری و کیش زرتشتی مشاهده می‌کنیم. در دوره ساسانیان نیز می‌بینیم که از شعارهای دینی بشکل آتش مقدس یا کلماتی مانند "اورمزدپرست" و غیره استفاده شده است.

اعراب بیابانگرد تازه مسلمان که در پرتو تعالیم پرشکوه دین مقدس اسلام، در مدتی کمتر از یک قرن، از اندلس تا سواحل چین را تصرف کردند و اساس نابرابریهای انسانی و اصول طبقاتی و برده‌داری ایران و روم را درهم ریختند؛ به آیین مملکت‌داری و روش‌های اداری و قوف و آشنائی نداشتند؛ بنابراین دست به ترکیب سازمانهای اداری معالک مفتوحه نمیزدند و مساعی آنها غالباً با استقرار لواء توحید و بسط احکام الهی و دریافت جزیه و خراج و خمس و زکوة مصرف می‌شد.

یکی از بارزترین مظاهر مملکت‌داری ضرب سکه بود که تا سالیان دراز بمقیاس و روال سابق، در ایران و روم ادامه یافت و تنها تغییری که داده شد ذکر بعضی از شعارهای اسلامی بود بر سکه‌هایی که به سیاق سابق ضرب می‌شد و رواج می‌یافت.

سکه‌هایی که در قلمرو شرقی خلافت رواج داشت و تا آخرین سالهای قرن دوم هجری در طبرستان و بخارا ضرب می‌شد، سکه‌هایی بود با تصاویر پادشاهان ساسانی، مانند خسرو دوم، هرمز چهارم و یزدگرد سوم؛ با اضافه شعار همولی سکه‌های ساسانی یعنی نقش آتشدان و آتش‌بان‌ها، ولی بعضی از شعارهای اسلامی نیز بر آنها نقش شده بود.

بر روی این سکه‌ها که از حدود سال ۲۱ یزدگردی، مطابق با ۳۱ هجری ضرب شده اصطلاحاً "سکه‌های عربی ساسانی" معروف است، علاوه بر نام خلیفه یا امیر یا والی عرب، بسیاری از شعارهای اسلامی مشاهده می‌شود مانند: "العزة لله"، "بسم الله"، "بسم الله الملك"، "بسم اللہ ربی"، "بسم الله ربی الرحمن"، "بسم الله، لاله الاله محمد رسول الله"، "بسم الله لاحکم الاله"، "بسم اللہ ولی الامر" و غیر اینها.

در این شعارهای ساده و بی‌پیرایه، جز یک مورد "لاحکم الاله" که پس از جنگ صفین مورد استفاده سیاسی خوارج قرار گرفته است، هیچ رنگ و بوی سیاسی نمی‌یابیم، هر چند که بهر حال عرف

سلطهٔ اسلام بر سرزمینهای ایران هستند؛ اما از سال ۷۶ هجری که عبدالملک بن مروان تصمیم به ضرب سکه‌های جدید در قلمرو خلافت اسلام گرفت استفاده از شعارهای دینی بشدت رواج یافت. در بارهٔ علت تغییر سکه‌ها داستانی وجود دارد که خلاصهٔ آن چنین است:

روزی پارچه‌ای از منسوجات مصر را برای عبدالملک آوردند که برای خود لباس بدوزد و این پارچه "طراز" یا علامت کارخانه داشت. به نظر عبدالملک رسید که آن طراز متضمن مطلبی بخط رومی است و گفت آنرا ترجمه کنند. معلوم شد که نوشته‌ها ذکر اغانیم ثلاثه "اب واین و روح القدس" یعنی شعار مسیحیت است. در آن ایام پارچه‌ها و کاغذهای مصرفی دستگاه خلافت را در کارخانجات مصر تهیه میکردند و صاحبان این کارخانه‌ها غالباً "بدین مسیح باقی مانده بودند. از اینرو طراز یا علامت کارگاهها و کارخانجات آنها شعار مسیحیت داشت.

عبدالملک از اینکه سالیان دراز خلفای اسلامی لباس‌هایی پوشیده و فرامین خود را بر کاغذهایی نوشته بودند که شعار مسیحیت داشته است سخت برآشفته. پس به برادرش عبدالعزیز، والی مصر، فرمان داد تا سازندگان پارچه‌ها و کاغذها را به حذف شعارهای مسیحیت و بکار بردن شعار اسلامی "لااله الا هو" روی مصنوعات خود مجبور سازد و او نیز چنین کرد. اما وقتی این پارچه‌ها و کاغذها به روم رسید امپراطور آرزو شد و برای عبدالملک پیغام فرستاد که هرگاه دست از این کار برندارد، او نیز دستور خواهد داد تا بر دراهم و دینار رومی که در قلمرو غربی اسلام و منحصلاً نام پایتخت امویان رواج داشت؛ کلماتی توهین‌آمیز نسبت به دین و پیامبر اکرم بنویسند. عبدالملک متوحش شد و با عقلا و دانشمندان عصر و از آن جمله حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام بمشورت نشست و بسا راهنمایی آنان بضر سکه‌های جدیدی که کاملاً متناسب با احتیاجات روز و بکلی خالی از هر گونه شکل و شعار و تصاویر غیراسلامی بود مبادرت کرد.

بر روی این سکه‌ها که تا آخر دورهٔ امویان، تقریباً ثابت و بی تغییر باقیمانده‌اند شعار "لااله الا الله وحده لا شریک له" در متن و محل و تاریخ ضرب سکه در حاشیه ذکر شده و روی دیگر متضمن سورهٔ اخلاص در متن و آیهٔ ۳۲ از سورهٔ توبه در حاشیه است که با تغییر مختصری بدین شرح ذکر شده: "محمد رسول الله، ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون". می‌دانیم که بنی‌امیه رقیب بنی‌هاشم بودند و با آنکه خلفای این خاندان ادعای جانشینی پیغمبر اسلام را داشتند ولی حقیقهٔ قلباً "علاقهای به آن حضرت نداشتند، لذا در سکه‌های خود فقط جای کوچکی را، آنها در حاشیه، بنام مبارک ایشان اختصاص داده‌اند؛ در صورتیکه در مورد بنی‌عباس کار برعکس بود. زیرا این خانواده اساس دعوت و حقانیت خود را بر قرابت با رسول اکرم گذاشته بودند؛ بنابراین در اولین سکه‌هایی که بوسیلهٔ دعوات بنی‌عباس (و با احتمال قریب به یقین ابومسلم خراسانی) بین سالهای ۱۲۸ تا ۱۳۱ هجری در شهرهای بلخ، ری، جی، اصطخر، رامهرمز، تیمره، نیشابور و جاهای دیگر ضرب شده قسمتی از آیهٔ ۲۳ از سورهٔ سوری بدینگونه نقش بسته است: "قل لاسئلكم علیه اجرا" الی الموده فی القربی" و پس از استقرار در امر خلافت نیز با حذف سورهٔ اخلاص

متن یک روی سکه را به شعار "محمد رسول الله" اختصاص داده، نام مبارک رسول اکرم را با ذکر تحیت و درود و "صلی الله علیه" هم در متن و هم در حاشیه آورده‌اند.

علویانی که در سالهای ۱۲۷ تا ۱۲۹ هجری به زعامت عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر - ابن ابی طالب، در حدود ری، بر مروان، آخرین خلیفه اموی شورش کرده بودند؛ همچنین حسن بن زید که در سال ۲۵۰ هجری حکومت علویان طبرستان را بنا نهاد؛ بر سکه‌های خود شعار "قل لا اسئلكم اجرا" الا الموده فی القربی را بکار برده‌اند.

بعضی از علویان حسینی طبرستان و سادات شریفی و حسینی مراکش از آیه تطهیر سودجسته‌اند و بر سکه آنها قسمتی از آیه ۳۳ سوره احزاب را بدین شرح ملاحظه میکنیم: "انما یرید الله لیزهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً".

در مقابل این خاندانها که به پاکی تبار و شرافت نسبت و قرابت خود با پیامبر بزرگ اسلام نازیده‌اند، بسیاری از تازه بدولت رسیدگان و سران سلسله‌ها که هیچ اصل و نسبی جز زور و شمشیر نداشته‌اند از آیه شریفه "قل اللهم مالک الملک توئی الملک من تشاء و تنزع الملک من تشاء و تعز من تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر" بهره گرفته و اصل وراثت را در امر حکومت تخطئه کرده‌اند. ذکر همه شعارها و شأن نزول آنها بر سکه‌ها خود مستلزم تألیف کتاب مفصلی است که با فراهم بودن مواد، امید تهیه و تنظیم آن را دارم.

در خاتمه مقاله به ذکر شعارهای منقوش بر دو سکه یکی از حسن بن زید و دیگری از احمد بن عبدالله خجستانی که با او در جنگ و ستیز بوده‌است، اکتفا میکنیم.

اول - سکه حسن بن زید علوی، ضرب آمل به سال ۲۵۴ هجری

رو - متن

لا اله الا

الله وحده

لا شریک له

الداعی الی الحق

حاشیه داخلی = بسم الله ضرب هذا الدرهم بامل سنه اربع و خمسين و مائین.

حاشیه خارجی = قل لا اسئلكم علیه اجرا" الا الموده فی القربی و من یصرف حسنه نزدله فیها

حسنا.

روی دیگر - متن

الله

محمد

رسول

الله

الحسن بن زید

حاشیه: ان الذین یقاتلون بانهم ظلموا والله علی نصرهم لقدیر.

چنانکه می بینیم حسن بن زید در این سکه نه تنها قرابت خود را با پیامبر اسلام خاطر نشان کرده بلکه در حاشیه پشت سکه، تلویحا "به ظلمی که بر خاندان رسول رفته و نصرتی که خداوند باو داده اشاره کرده است.

دوم - سکه احمد بن عبدالله خجستانی، ضرب نیشابور به سال ۲۶۸ هجری

رو - متن بلیمین

لااله الا الله

محمد رسول الله

المعتمد علی الله

والسعادة

حاشیه: قل اللهم مالک الملك توتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تعزمن تشاء و تذلل من تشاء بیدک الخیر.

روی دیگر - متن

بالنصر

الملك والقدرة لله

الحول والقوة بالله

المولی احمد بن عبدالله

والظفر

حاشیه داخلی: بسم الله ضرب هذا الدرهم بنیسا بور سنة ثمان و ستین و مائین  
حاشیه خارجی: قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولجندوا فیکم غلظة واعلموا ان الله مع المتقین  
در تواریخ خوانده ایم که احمد بن عبدالله خجستانی مردی بی اصل و نسب و بروایتی "خرینده" بود که با جدیت و پشتکار و تهور به امارت و حکومت رسید.

احمد بن عبدالله که پس از استیلا بر قسمتی از خراسان از یکسو با حسن بن زید و از سوی دیگر با عمر بن اللیث در جنگ و نزاع بسر میبرد در این سکه دم از یمن و سعادت و نصر و ظفر زده و همه چیز را بسته بحول و قوه الهی دانسته و مخصوصا "با تمسک به آیه" "قل اللهم مالک الملك . . . . ." میگوید که حکومت و سلطنت ارث پدر کسی نیست، از آن خداست و خداوند بهر کس که خواست میبخشد. همچنین با ذکر "قاتلوا الذین یلونکم من الکفار . . ." به این نکته اشاره دارد که در میان کافران کسانی را بکشید که با شما نزدیکترند و بدینگونه مقاتله با عمرو لیث و حسن بن زید را در هر دو از نظر معتمد خلیفه عباسی، که نامش بر سکه هست، خارج از دین و در مجاورت سرزمینهای متصرفی او بودند توجیه می کند.